

درس «الرِّخَاءُ وَ الشَّدَّةُ» با هدف آموزش جمله‌ی فعلیه طراحی شده است از این رو، بیشتر جمله‌های آن از نوع جمله‌های فعلیه با ساختار آسان و مورد نیاز هدف آموزشی در این مرحله می‌باشند. این متن درسی در کنار ویژگی یادشده به‌طور مستقیم به روی ادبیات قرآنی متمرکز شده است. این تمرکز نه فقط روی داستان قرآنی درس - که یکی از مشهورترین قصصی قرآن می‌باشد -، بلکه شامل ساختار ادبی جملات و استعمال واژگان قرآنی نیز هست؛ به نحوی که قریب به اتفاق عبارات این متن برگرفته از زبان و ادبیات قرآنی است؛ مشتمل بر کلمات یا عباراتی که عیناً برگرفته از قرآن هستند و یا مواردی که از حیث ساختار ادبی دارای مشابهت کاری با ساختار جملات قرآنی و روایی است.

کلمات و ساختارهای قرآنی و روایی در متن

تمدحون ایوب، یَعْبُدُ أَيُّوبُ اللَّهَ وَ يَحْمَدُهُ، يشكر الصالحون ربهم، الی
متی تصبر علی هذا البلاء، تشكُرُ الله و تحمده، أعوذ بالله من الشيطان الرجيم،
هو كالجبل، تصبر الزوجة الصالحة علی قضاء الله، عَظُمَ الْبَلَاءُ، إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ
وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، نَجَحَ أَيُّوبُ فِي الْإِمْتِحَانِ، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، نِعَمَ الْعَبْدُ
إِنَّهُ أَوَّابٌ، جَاءَ الْفَرْجُ

پیش نیازهای آموزشی

یادگیری موضوع «جمله‌ی فعلیه»، مستلزم اشراف و آگاهی لازم نسبت به برخی اطلاعات پایه‌ای است که دانش‌آموزان قبلاً فراگرفته‌اند. لذا معلم باید از طریق یادآوری و زمینه‌سازی، حصول این آگاهی‌ها را مورد اطمینان قرار دهد:

- ۱- مفهوم جمله.
- ۲- مفهوم فعل و انواع آن.
- ۳- مفهوم فاعل و نقش آن در جمله.
- ۴- مفهوم مفرد، مثنی، جمع، مذکر و مؤنث.
- ۵- مفهوم اعراب کلمه و انواع آن.

مراحل تدریس

۱- بیان داستان متن درس

داستان «الترخاء و الشدة» یکی از مشهورترین قصص انبیاء در قرآن است. دانش‌آموزان، بیش و کم از آن آگاهی دارند و در متن درس، بخش‌ها و جملات کلیدی داستان ذکر شده است. در این متن درسی، شیوه‌ی تصویرخوانی در قالب سبک نگارش و نقاشی «فتورمان» به خوبی به کار گرفته شده است. از این رو، تصاویر به بهترین نحو گویای بخش‌های ناگفته‌ای هستند که به دلیل مقتضیات و محدودیت‌های کتاب درسی، از متن داستان حذف شده است.

برای این که دانش‌آموزان نقش و موقعیت هریک از جملات متن درس را در دل داستان حضرت ایوب دریابند و ضمناً شیرینی و حلاوت داستان به کامشان ریخته شود و بتوانند برای فراگیری درس آماده شوند، می‌توانیم مشروح داستان را با زبان داستانی به زبان عربی با جملات ساده برای آنان بیان کنیم.

آسایش و گرفتاری

ایوب، بنده‌ی خالص خدا بود و همواره او را عبادت می‌کرد. شیطان این خلوص و بندگی را نمی‌پسندید. او در صدد برآمده بود که هرطور شده، ایوب را فریب بدهد. یک روز که ایوب مشغول عبادت بود، شیطان به سراغش آمد. هرچه کرد، دید ایوب دست از عبادت برنمی‌دارد. شیطان عصبانی شد و رو کرد به فرشته‌هایی که در کنار ایوب عبادتش را تحسین می‌کردند و به راز و نیاز او گوش می‌دادند. شیطان زبان به سرزنش فرشته‌ها باز کرد و گفت:

«شما چرا از ایوب خوشتان می‌آید؟! معلوم است؛ کسی که این همه مال و ثروت دارد، باید هم خدا را عبادت کند. شما خیال می‌کنید که او واقعاً خدا را دوست دارد؟! نه! او مال و ثروتش را بیشتر دوست دارد. و برای همین که خدا به او سلامتی و مال و فرزند داده، و همه‌جور راضی‌اش کرده، خدا را عبادت می‌کند.»

یکی از فرشته‌ها در حالی که نگاه مهربانانه‌اش را به ایوب دوخته بود، گفت:

«نه... اشتباه می‌کنی. آدم‌های صالح و نیکوکار، در هر حال خدا را عبادت می‌کنند. فرقی نمی‌کند که غرق در ثروت و دارایی باشند، یا دچار فقر و گرفتاری شوند.»
شیطان هرچه کرد، نتوانست نظر فرشته‌ها را تغییر دهد. مدت‌ها گذشت و شیطان دنبال فرصت مناسبی بود تا ایوب را گمراه کند؛ اما موفق نمی‌شد.

چندی بعد، ایوب دچار گرفتاری‌های عجیبی شد، خودش بیمار شد، دزد به مال و اموالش زد و هرچه را داشت، با خود برد. در حادثه‌ای نیز فرزندانش یکی یکی مردند. وضعیت مصیبت‌باری برای ایوب پیش آمده بود. ناگهان زندگی‌اش زیر و رو شده بود. انگار نه انگار که این مرد تا چندی پیش، با سلامتی کامل روی پای خود ایستاده بود، خانه‌اش پر از نعمت و خوردنی و نوشیدنی بود، پسرانش کار می‌کردند، دخترانش لبخند می‌زدند، باغ‌هایش پر از میوه بود و گله‌هایش تمام دشت را پر می‌کردند.

شیطان وقتی وضع را این‌طور دید، لبخند رضایت‌آمیزی زد و فکرش را به کار انداخت. حالا یک فرصت طلایی برای شیطان پیش آمده بود. دوباره سراغ ایوب رفت. دید مثل گذشته خدایش را شکر می‌کند و او را عبادت می‌کند. او شروع کرد به تمسخر و سرزنش ایوب و گفت:

«مرد حساسی! تا کی می‌خواهی صبر کنی و این مصیبت را تحمل کنی؟ همه چیزت را از دست داده‌ای، بدبخت شده‌ای، نه مال و ثروت برایت مانده، نه بچه‌هایت مانده‌اند و نه سلامتی خودت. خدا همه‌ی این‌ها را از تو گرفت. باز هم او را عبادت می‌کنی و او را سپاس می‌گویی؟!»

ایوب تکان خورد. چیزی در دلش لرزید. یاد آن روزهای خوش و پر از نعمت افتاد. نگاهی به وضع وخیم و گرفتاری‌های عجیب و غریبش کرد. اما دید این حرف‌ها، وسوسه‌های شیطان است. سرش را بلند کرد تا چیزی بگوید. شیطان گمان کرد ایوب وسوسه شده و الآن است که حرف او را تأیید کند. ایوب گفت: «پناه می‌برم به خدا، از شیطان، شیطانی که از بهشت رانده شده.»

تیر شیطان به سنگ خورده بود. اخم کرد و با خودش گفت: «فایده‌ای ندارد. مثل کوه است. هرچه می‌گویم، باز هم کار خودش را می‌کند.» بعد، تصمیم گرفت سراغ زن ایوب برود. با خودش گفت: «او را حتماً می‌توانم فریب بدهم»

سعی کرد هنگام رو در رو شدن با همسر ایوب، مهربان باشد. به او گفت: «آخر

تا کی صبر می کنی و با این مرد زندگی می کنی؟ مگر نمی بینی مریضی اش را، او به زودی می میرد. مرگش نزدیک است. رهایش کن. برو، بگذار در تنهایی و بدبختی خودش بمیرد. جان خودت را بردار و برو!» همسر ایوب نگاه تنفرآمیزی به شیطان انداخت و گفت: «نه، زن وفادار، صبر می کند. این تقدیری است که خداوند برای ما خواسته. باز هم پیش ایوب می مانم. نمی خواهم بیشتر از این سختی بکشد.»

شیطان، درمانده و خشمگین از او جدا شد و رفت.

هرچه می گذشت، بیماری ایوب شدیدتر می شد. زخم هایی روی بدنش پیدا شده بود که کسی جرأت نمی کرد نزدیکش شود. بین مردم شایع شده بود که هرکس به او نزدیک شود، همان بیماری را می گیرد. کم کم همه ترکش کردند و ایوب تنهاتر از پیش شد. هرچه مریضی اش شدیدتر و بیشتر می شد، مال و اموالش کمتر می شد. دیگر چیزی برای خوردن در خانه نداشتند. نمی توانستند دارویی بخرند و به زخم ایوب بگذارند. ایوب، درمانده و پریشان خانه را گشت. نه لقمه ی نانی بود و نه دارویی. سرگشته شده بود:

— چه کنم؟ هیچ چیز برایم نمانده. هیچ کس، هیچ چیزی به من نمی دهد. دید زنش هم در خانه نیست. لحظه ای به نظرش آمد که او هم تنهایش گذاشته و رفته، رنگی از غم و اندوه، تمام وجودش را پر کرد. در همین فکرها بود که دید همسرش از راه رسید. غمش کاسته شد. زن گفت: «نان و آب و دوا آورده ام.» ایوب لبخندی زد و گفت: «از کجا؟ ماکه پول نداشتیم! زن قطره ی اشکی روی گونه اش دوید و چیزی نگفت. لباس بیرون را درآورد و خودش را سبک کرد تا چیزی به ایوب بخوراند. ایوب لرزید. چشمش به گیسوی بریده شده ی همسرش افتاد که تا همین دیروز از شانۀ اش فرومی ریخت و تا کمرگاهش می رسید. گیسوی طلایی براقی که همه ی زن ها حسرتش را می خوردند و بارها می خواستند پولی بدهند و گیسوی او را از بیخ بچینند و زینت خودشان کنند. اما او تن نمی داد و می گفت: «از دنیا، فقط همین طره ی طلایی برایم مانده.»

ایوب همه چیز را فهمید؛ چیدن دسته ی گیسو برای گرفتن مقداری پول دیگر نمی توانست این را تحمل کند. با درماندگی و زاری روبه خدا کرد:

«هر چه بدبختی و گرفتاری است، سراغ من می آید ولی می دانم که تو از همه

مهربان تری.»

همه‌ی شکوه و شکایت ایوب به درگاه خدا همین بود. رنج کشید ولی دست از عبادتش برنداشت.

سال‌ها به همین ترتیب گذشت. خودش پیر و شکسته شده بود و زنش چروکیده و سالخورده. یک روز رفت که از چاه آب بکشد. دید حیاط خانه‌اش پر از گل و شکوفه است. آبی زلال در حوض می‌درخشد و کمی آن‌سوتر، همسرش با چهره‌ای جوان و خندان روبه‌رویش ایستاده. همه‌چیز مثل روز اوّل شده بود. ایوب از امتحان سخت الهی پیروز بیرون آمده بود. حالا خودش در کمال سلامت و صحت لبخند می‌زد. می‌دانست که این گشایش، نظر لطف خداست که به دنبال سختی‌ها و گرفتاری‌هایی که تحمل کرده بود، نصیبش شده است. گویی خداوند هم از دیدن چنین بنده‌ی صبور و بردباری لبخند می‌زد و می‌گفت:

«ایوب بهترین بنده است. او بیش از همه روبه سوی ما داشت.»

داستان حضرت ایوب ضمن حال و هوای روحانی و تذکرات اخلاقی فراوان، از قدرت ادبی و فرازهای داستانی شگفت‌انگیز برخوردار است. معلم می‌تواند از دانش‌آموزان علاقه‌مند بخواهد این داستان را در قالب روایتی هیجان‌انگیز بنویسند. و حتی المقدور در میان جملات خود از عین جملات مندرج در متن این درس استفاده کنند.

۲- قرائت متن درس برای ترجمه‌ی ساده

شنیدن داستان مفصل حضرت ایوب، به دانش‌آموزان کمک می‌کند که با استفاده از تصاویر کتاب، عبارات متن را بخوانند و مفهوم کلی آن‌ها را دریابند و یا به عبارت دیگر، موقعیت مفهومی هر جمله را در ارتباط با داستان اصلی، تشخیص دهند. در این مرحله، ترجمه‌ی دقیق عبارات منظور نظر نیست. همین که کلمات جدید توسط معلم معنی شود و دانش‌آموزان با استفاده از اطلاعات قبلی خود درباره‌ی سایر کلمات و نیز داستان ایوب، مفهوم جملات را دریابند، کافی به نظر می‌رسد.

اگر معلم، داستان را خوب و حساب شده بیان کرده باشد و اگر دانش‌آموزان با دقت به آن گوش داده باشند، در هر جمله‌ی متن درس نشانه یا کلمه‌ای وجود دارد تا تقریب ذهنی برای تشخیص مفهوم آن ایجاد کند.

۳- توجه به عبارات هدف در متن درس

رویکرد اصلی این متن درسی، معرفی جملات فعلیه‌ی ساده است. از این رو بیشترین حجم متن را چنین عباراتی پر کرده‌اند.

معلم با یادآوری این که در درس پیش با جملاتی مواجه بوده‌اند که با اسم شروع می‌شده است. این بار متذکر می‌شود که: جمله‌های فعلیه با فعل شروع می‌شوند. و از دانش‌آموزان می‌خواهد این نوع جملات را از متن درس استخراج کنند. مثلاً:

- یَعْبُدُ أَيُّوبُ اللَّهَ.
- يَشْكُرُ الصَّالِحُونَ رَبَّهُمْ...
- حَانَتْ الْفُرْصَةُ الْذَهَبِيَّةُ ...
- مَرَضَ أَيُّوبُ.
- تَلَفَ مَالُهُ.
- تَلَفَ أَوْلَادُهُ.
- سَرَقَ اللَّصُوفُ أَمْوَالَهُ.
- جَاءَ ابْلِيسُ.
- فَقَدَتْ أَمْوَالُكَ.
- تَشْكُرُ اللَّهُ.
- أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.
- أَذْهَبَ إِلَى زَوْجَتِهِ.
- تَصْبِرُ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ.
- عَظُمَ الْبَلَاءُ.
- صَعِبَ مَرَضُهُ.
- تَرَكَهُ الْجَمِيعُ.
- بَحَثَ أَيُّوبُ.
- جَاءَ الْفَرَجُ.
- نَجَحَ أَيُّوبُ فِي الْإِمْتِحَانِ.
- ذَهَبَ الْمَرَضُ.
- رَجَعَتِ الصَّحَّةُ وَالسَّلَامَةُ.

به عنوان زمینه‌چینی و بررسی ابتدایی، نقش فعل و فاعل در جملات مورد توجه قرار می‌گیرد.

دانش‌آموزان با اطلاعاتی که در زمینه‌ی مفهوم و تعریف فاعل در زبان فارسی دارند، باید بتوانند نقش و موقعیت فاعل را در چنین جملاتی تشخیص دهند :

- مَرَضَ أَيُوبُ.
- تَلَفَ مَالُهُ.
- سَرَقَ اللَّصُوفُ.
- جَاءَ ابْلِيسُ.
- تَصَبَّرَ الزَّوْجَةُ.
- تَرَكَهُ الْجَمِيعُ.
- بَحَثَ أَيُوبُ.
- جَاءَ الْفَرْجُ.
- نَجَحَ أَيُوبُ.
- ذَهَبَ الْمَرَضُ.
- رَجَعَتِ الصَّحَّةُ وَالسَّلَامَةُ.

بی‌مناسبت نیست که در همین مرحله، توجه دانش‌آموزان به علامت رفع روی تمام فاعل‌های جملات یاد شده جلب شود. فقط همین جلب توجه به عنوان یادآوری آن‌چه بعد از این تدریس خواهد شد، کافی است و نیازی به شرح و بسط آن نیست.

۴- قرائت و ترجمه‌ی کامل متن درس

هرچه معلم بتواند مشارکت دانش‌آموزان را در ترجمه‌ی صحیح عبارات جلب کند. یادگیری آنان عمیق‌تر و ماندگارتر خواهد بود. از این رو مرجح است که دانش‌آموزان با راهنمایی معلم، ترجمه‌ی دقیق هر عبارت را بیان کنند. این زمینه‌ها می‌تواند در این مشارکت مؤثر باشد :

- کلماتی را که پیش از این فراگرفته‌اند.

- معنی کلمات جدید توسط معلم یا رجوع به بخش «المعجم»

- تشخیص نقش فاعل در جمله (مرور مرحله‌ی پیش).

در قرائت صحیح جملات نیز می‌بایست آهنگ بیان آن‌ها چنان هماهنگ با مفهوم هر جمله و حس حاکم بر آن باشد که دانش‌آموزان از نحوه‌ی بیان آن‌ها، لااقل موقعیت مفهومی جمله را درک یا استنباط کنند.

متن خوانی

عبارات درس «الرِّخَاءُ وَ الشَّدَّةُ» از تنوع گفتاری فراوان برخوردارند. لذا جا دارد که هر یک از آن‌ها با لحن گفتاری مناسب ادا شوند. نمونه‌های اصلی این لحن‌های گفتاری بدین قرار است:

- جمله با لحن استفهامی سرزنش‌گر: یا ملائکه! لماذا تمدحون ایوب ...
- جمله‌ی با لحن انکاری: لا ... لا ... لا ... یشکر الصالحون رَبَّهُمْ ...
- جمله‌ی با لحن خبری هشداردهنده: حانت الفرصة الذهبية لابليس.
- جمله‌ی با لحن خبری ساده: مَرَضَ ایوب. تلف ماله ...
- جمله‌ی با لحن خودداری و استغناء: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.
- جمله‌ی با لحن واگویی و تعجب: لا فائدة! هو كالجبل!
- جمله‌ی با لحن استهزا و سرزنش: إلی متى تصبرین؟ ...
- جمله‌ی با لحن استفهام انکاری: كيف أحصل علی الطعام...!؟
- جمله‌ی با لحن دعا و نیاز: إني مسني الضر ...

سایر جملات متن درس، هر کدام وابسته به یکی از انواع فوق است. این جملات با تشخیص معلم و با مشارکت دانش‌آموزان شناسایی می‌شوند.

۵- تمرین جمله‌سازی

با توجه به نمونه‌های متعددی که از جملات فعلیه‌ی ساده - مرکب از فعل و فاعل - مورد ملاحظه‌ی دانش‌آموزان قرار گرفته است، آن‌ها باید بتوانند براساس انواع فعل‌هایی که تاکنون فراگرفته‌اند، نقشی که از فاعل درخاطر دارند و نمونه‌های متعددی که از اعراب فاعل مشاهده کرده‌اند، با راهنمایی معلم مبادرت به ساختن جملات فعلیه‌ی ساده کنند. مثلاً: معلم فعل‌های ساده‌ای را بیان می‌کند تا دانش‌آموزان برای هر یک از آن‌ها فاعل معرفی کنند: دَهَبَ، حَرَجَتْ، جاء، يَكْتُبُ، تَعْمَلُ و ...

در حین این جمله‌سازی‌هاست که توجه دانش‌آموزان نسبت به تناسب مذکر یا مؤنث بودن فاعل با فعل جلب می‌شود و این، زمینه‌ای می‌شود برای تدریس قواعد جمله‌ی فعلیه، برای مثال: وقتی فعل تَعْمَلُ بیان می‌شود، دانش‌آموزان متوجه می‌شوند که باید برای آن فاعل مؤنث بیاورند.

۶- تمرین درک مفهوم درس

مروری به متن درس نه تنها تنوعی در روند آموزش ایجاد می‌کند، بلکه معلم را از یادگیری دانش‌آموزان مطمئن می‌سازد و در عین حال آنان را برای فراگیری بخش «کلید طلایی» آماده می‌سازد. معلم مبادرت به طرح سؤالاتی از این قبیل می‌نماید و دانش‌آموزان به طور سریع و با استفاده از کتاب، جمله‌ی مناسب را به عنوان پاسخ، از روی کتاب می‌خوانند:

- چه موقعی فرصت طلایی برای شیطان پیش آمد؟
- شیطان فکر می‌کرد که دلیل عبادت ایوب چیست؟
- فرشته‌ها در پاسخ شیطان چه گفتند؟
- وقتی شیطان دید سروکله زدن با ایوب فایده ندارد، او را به چه تشبیه کرد؟
- چه زمانی، در کار ایوب گشایشی حاصل شد؟
- خداوند درباره‌ی ایوب چه گفته است؟

۷- آموزش کلید طلایی (فعل و فاعل)

- مطالعه‌ی قبل دانش‌آموزان روی متن «کلید طلایی» باعث می‌شود که بتوانند اجمالاً به این سؤالات - از حفظ یا از روی کتاب - جواب فوری بدهند:
- نام نشانی که شرکت‌کنندگان مسابقه گرفتند چه بود؟
 - تعریف فاعل چیست؟
 - منظور از این جمله چیست: «هرکس کاری انجام می‌دهد، باید نشان رفع بگیرد».
 - چرا نشان رفع روی کلمه‌ی «حسام» قرار داشت (در جمله‌ی «نَجِحُ حَسَامٌ فِي الْامْتِحَانِ»)?
 - نشان رفع یعنی چه؟ شکل آن چگونه است؟
 - جمله‌ی فعلیه با چه کلمه‌ای شروع می‌شود؟
 - این جمله چگونه تکمیل می‌شود: «اگر فاعل مؤنث باشد، فعل هم ...»
 - فعلی که قبل از فاعل بیاید، مفرد است یا جمع؟
 - کدام کلمه است که «ال» ندارد ولی تنوین هم نمی‌گیرد؟

این سؤالات در بردارنده‌ی اصلی‌ترین اطلاعات مربوط به این بخش از قواعد عربی است. اگر دانش‌آموزان در این مرحله نتوانند به درستی به تمام سؤالات پاسخ گویند، انتظار می‌رود که در پایان تدریس کلید طلایی، به تمام آن‌ها پاسخ درست بدهند.

پس از این بررسی‌های اولیه، مطالب ذیل به دانش‌آموزان نشان داده می‌شود تا معلم نسبت به ارائه‌ی خلاصه‌ای از مطالب درس اقدام کند:

فاعل	فعل
فَاعِلٌ مَّفْرَدٌ مَذْكَرٌ	نَجَّحَ حَسَامٌ
فَاعِلٌ مَجْمُوعٌ	نَجَّحَ التَّلَامِيذُ
فَاعِلٌ مَّفْرَدٌ مَوْثٌ	أَمَرَتْ فَاطِمَةُ
فَاعِلٌ مَجْمُوعٌ مَوْثٌ	أَمَرَتْ التَّلَامِيذَاتُ
فَاعِلٌ بَدُونِ «ال» تَنْوِينٌ	فِعْلٌ أَوَّلُ جُمْلَةٍ،
رَفْعٌ مَيَّيْغِيرِد. اِسْمُ زَنْ، نَه	هَمِيْشَه مَفْرَدٌ اِسْت
«ال» مَيَّيْغِيرِد وَ نَه تَنْوِينٌ	وَلِيٌّ بَه تَنَاسُبِ فَاعِلٍ،
	مَذْكَرٌ يَآ مَوْثٌ اِسْت.

تمارين

التمرین الأول



هدف این تمرین تسلط بیشتر بر محتوای متن درس است. این سوالات که به شیوه‌ی سؤال و جواب طراحی شده‌اند، قابل گسترش هستند تا دانش‌آموزان به همه‌ی جوانب متن اشراف داشته باشند:

- من قال يَشْكُرُ الصَّالِحُونَ رَبَّهُمْ في جميع الأحوال؟
- مَنْ سَرَقَ أموالَ أيوب؟
- هل قالت الملائكة «يحمده لأنه صاحب مالٍ و نِعَمٍ؟
- مَنْ صَبَرَ على قضاء الله؟
- هل حَصَلَ أيوب على الطَّعام و الدِّواء؟
- متى ترك الجميع أيوب؟
- متى جاء الفَرَجُ؟
- متى ذَهَبَ المرضُ و رجعت الصَّحة و السَّلامة؟

التمرین الثاني



در این تمرین، نقش و موقعیت فاعل مورد توجه قرار می‌گیرد و به صورت عینی یا عملی تفاوت فاعل و مفعول مورد گوشزد قرار می‌گیرد. این تمرین در واقع شکل عینی تعریف فاعل است. معلم یا دانش‌آموزان می‌توانند صحنه‌های گوناگونی را در کلاس ایجاد کنند تا مفهوم فاعل را تبیین نمایند. مثلاً:

- معلم روی تخته می‌نویسد. (فاعل، معلم است یا گچ یا تخته؟)
- شاگرد آب می‌خورد. (فاعل، شاگرد است یا آب یا لیوان؟)
- کسی روی صندلی می‌نشیند. (فاعل، فرد است یا صندلی یا نشستن؟)
- علی، حسن را می‌زند. (فاعل، علی است یا حسن؟)

التمرین الثالث



براساس تمرین قبل، تشخیص فاعل براساس مفهوم جملات و نیز تعیین اعراب فاعل، هدف این تمرین است. جهت گسترش این تمرین بسیاری از جملات موجود در کتاب یا سایر جملات

می تواند مورد تمرین قرار گیرد. مانند :

- بدأت المعلمة بالدرس.
- الله خَلَقَ السموات و الارض.
- نَهَضَتْ مريم و ذهبت الى غرفة العمل.
- الجميع ذهبوا للنوم.
- ذَهَبَ الاولاد نحوالبستان.

التمرین الرابع



این تمرین نه تنها اعراب فاعل را مورد توجه قرار می دهد، بلکه عملاً توجه دانش آموزان را به این موضوع جلب می کند که کلماتی مانند فعل و حرف، اصولاً نمی توانند فاعل واقع شوند. از این رو، متوجه می شوند که در این تمرین، چند گروه کلمه نمی توانند فاعل واقع شوند :

- ۱- کلمات دارای علامت نصب (زیرا فاعل، مرفوع است) مانند : الحَقُّ و الوَجْهَ.
- ۲- کلمات دارای علامت جرّ (زیرا فاعل، مرفوع است) مانند : الجَنَّةِ و الكتابِ.
- ۳- فعل ها مانند : نَصَرَ، قَرَأَ، عَسَلَ، جاءَ.
- ۴- حرف ها. مانند : في

بنابراین، کلماتی که دارای علامت رفع هستند و از حیث مفهوم نیز می توانند در جمله موقعیت فاعل داشته باشند، عبارتند از : طَالِبَةٌ، فَاطِمَةُ، الرَّجُلُ.

این تقسیم بندی چیزی است که دانش آموزان باید براساس این سؤال معلم به عنوان جمع بندی نهایی خود عرضه نمایند :

«کدام کلمات نمی توانند فاعل باشند. چرا؟»

التمرین الخامس



این تمرین، بعد تازه ای در تشخیص فاعل را مورد توجه قرار می دهد. و آن عبارت است از : انتقال مفهوم فاعل در ترجمه ی عبارات. به عبارت دیگر، ممکن است دانش آموزان در تشخیص کلمه ی فاعل در هریک از جملات، از روی موقعیت یا علامت رفع آن موفق باشند اما نتوانند مفهوم فاعل را به ترجمه ی خود منتقل نمایند.

التمرین السادس

آیات مندرج در این تمرین، نمونه‌ی محدودی از خیل آياتی هستند که در آن‌ها نقش فعل، فاعل کاملاً قابل تشخیص است. آشنایی دانش‌آموزان با این آیات، به آنان کمک می‌کند که بتوانند از اطلاعات خود در شناخت و فهم بهتر آیات قرآن استفاده کنند. معلم می‌تواند خود مبادرت به استخراج و معرفی و تمرین این گونه آیات نماید و یا از دانش‌آموزان بخواهد این آیات را شناسایی کنند و فعل و فاعل آن‌ها را تشخیص دهند. مثلاً:

- قال اللهُ مِنْ قَبْلُ ... (فتح / ۱۵)
- شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ... (احقاف / ۱۰)
- اللهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ ... (جاثية / ۱۲)
- قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ ... (زخرف / ۲۶)
- يُعَدِّبُ اللهُ الْمُنَافِقِينَ ... (احزاب / ۷۳)

الدراسات القرآنية

در این بخش، به کلماتی اشاره شده است که در متن درس ذکر شده‌اند و عین آن‌ها یا هم‌خانواده‌شان در قرآن وجود دارد. رجوع دانش‌آموزان به قرآن کریم برای یافتن این کلمه‌ها یا هم‌خانواده‌ها، موضوع پژوهشی است که عملاً به آنان نشان می‌دهد دانسته‌های آنان دارای کاربرد فراوان در فهم آیات قرآن است. این کلمه‌ها عبارتند از:

السَّيِّئَةُ — مَلَائِكَةٌ — تَمْدِحُونَ — أَيُّوبُ — يَعْبُدُ — يَحْمَدُ — نَعَمُ — مَالٌ — يَشْكُرُ — الصَّالِحُونَ — رَبٌّ — جَمِيعٌ — مَرَضٌ — سَرَقٌ — تَصَبَّرُ — جَاءَ — الْبَلَاءُ — الشَّيْطَانُ — أَعُوذُ — الرَّجِيمُ — الْجَبَلُ — أَذْهَبُ — زَوْجَةٌ — مَوْتٌ — قَرِيبٌ — قَضَاءٌ — عَظْمٌ — بَحْثٌ — رَاحِمِينَ — الضُّرُّ — عُسْرٌ — يُسِرُّ — رَجَعَتْ — الْعَبْدُ — أَوَابٌ.

ترجمه‌ی تصویری

برای هر یک از عبارات انتخاب شده، انواع تصاویر ورزشی، سیاسی، اجتماعی و ... در لابه‌لای مجلات و مطبوعات وجود دارد. اندکی جستجو و علاقه‌مندی دانش‌آموزان می‌تواند مجموعه‌ی ترجمه‌ی تصویری آنان را — چه در دفتر شخصی و چه به صورت نمایشگاه — غنی و جذاب نماید. به عنوان نمونه:

بَحْثٌ ... لاشيء! :

- تصویر سگی که لابه‌لای زباله‌ها دنبال چیزی می‌گردد.

- تصویر دزدی که به کاهدان زده!

- تصویر مرد شکارچی، با دست خالی و چهره‌ی خسته.

□ إن مع العسر يُسرًا :

- تصویر دانش‌آموزی که در کنکور قبول شده

- تصویر فوتبالیستی روی دست‌های مردم یا ورزشکاری روی سکوی افتخار

- تصویر مردی که زحمت می‌کشد و زن و بچه‌اش خواب هستند.

□ هو كالجبل :

- تصویر مردی بسیار درشت اندام!

- تصویر یکی از چهره‌های مشهور و مثبت سیاسی دنیا.

- تصویر معلمی که نمره نمی‌دهد!

□ موته قریب! :

- تصویر یکی از چهره‌های سیاسی منفی دنیا!

- تصویر یک آدم بسیار لاغر و نحیف!

- تصویر حیوانی ضعیف، در جنگال حیوانی درنده و قوی.



ساخت دست‌سازه‌های ابتکاری، این مجال را به دانش‌آموزان می‌دهد که بتوانند به صورت عینی اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی جمله‌ی فعلیه را مشاهده کنند و با فعل‌های گوناگون و فعل‌های متفاوت، چندین جمله‌ی فعلیه بسازند.

طرز ساختن دو «بعلاوه‌ی چرخان» برای در مقابل هم قرار دادن یک فعل و یک فاعل نمونه‌ای از فعالیت‌هایی است که دانش‌آموزان علاقه‌مند و داوطلب می‌توانند انجام دهند. جزئیات ساختن این دست ساخته در کتاب ذکر شده است. اما قابل توجه است که دانش‌آموزان با ذوق و خلاقیت و ابتکار خود، نمونه‌های دیگری از این فعالیت‌ها را در قالب دست ساخته‌هایی با شیوه‌های گوناگون تهیه و عرضه نمایند.

این فعالیت به صورت داوطلبانه انجام می‌شود و حاصل کار دانش‌آموزان موجب تنوع در فرآیند تدریس و نشانه‌ی علاقه‌مندی آنان خواهد بود.

این درس حاوی موضوعات تکمیلی در زمینه‌ی جمله‌ی فعلیه (جار و مجرور و مفعول) است، و در آن، نمونه‌های متعددی از جار و مجرور و مفعول معرفی شده است. در عین حال، در بردارنده‌ی داستانی عبرت‌آموز و تأثیرگذار نیز می‌باشد. واژگان و ساختارهای ادبی متن این درس از قرابت و مشابهت لازم با واژگان و ادبیات قرآنی برخوردار است.

نمونه‌هایی از کلمات و ساختارهای قرآنی و روایی در متن درس

قَرِيبٌ، اَصْدِقَاءُ، اللَّيْلُ، يَا اِلٰهِي، كَثِيْرَةٌ، اِلٰهِيَّةٌ، رَجَعٌ، الْبَيْتُ، اَعُوْذُ بِاللّٰهِ،
سَرْعَةً، صَاحِبٌ، اِبْحَثْ، جَعَلَ، اِلٰهِي اَشْكُرْكَ، فَرِحَ

پیش‌نیازهای آموزشی

یادگیری این درس مستلزم آشنایی و یادآوری پیش‌آموخته‌هایی به این شرح هستند:

- ۱- مفهوم جمله‌ی فعلیه
- ۲- مفهوم فعل و فاعل
- ۳- تعریف حرف و نمونه‌های آن
- ۴- آشنایی با کسره و فتحه
- ۵- تعریف مفعول
- ۶- مفهوم اسم.

هر گونه نقص در موضوعات فوق‌الذکر منجر به عدم درک عمیق موضوع این درس می‌شود. از این رو، پیش از تدریس می‌بایست نسبت به حصول آن‌ها در ذهن و خاطر دانش‌آموزان اطمینان خاطر وجود داشته باشد.

مراحل تدریس

۱- بیان داستان متن درس

داستان این درس، فقط حاوی گزیده‌هایی از یک داستان هستند و طبعاً به خودی خود نمی‌توانند شیرینی‌های گفتاری یک داستان را منتقل کنند. از این رو می‌توان پیش از تدریس داستان، مشروح آن را بیان نمود تا قبل از هر چیز نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت به آن جلب شود و نهایتاً بتوانند موقعیت مفهومی هر یک از جملات و عبارات متن درس را در دل یک داستان مشروح جستجو کنند.

لباس عید

ایام عید بود. چند روز مانده بود به عید، کوچه و خیابان پر از جمعیتی بود که به هوای خرید لباس و میوه و شیرینی و آجیل از این مغازه به آن مغازه می‌رفتند.

آن روز، ناصر در خانه نبود. وقتی چشمش به ویتترین‌های رنگارنگ مغازه‌ها و مردم خریدار افتاد، اشک در چشمش حلقه زد و با خودش فکر کرد:

— امسال، چه بپوشم؟ همه‌ی دوستانم لباس نو می‌خرند ولی من ... می‌دانم که مادرم پول ندارد. همه‌ی پدرها مشغول خریدن لباس و شیرینی هستند ولی ما که پدر نداریم ...

وقتی پدرش مرد، مادرش خرج زندگی او و خواهر کوچولوش را به عهده گرفت. صبح تا شب خیاطی می‌کرد و برای مردم لباس می‌بافت تا مقداری دستمزد بگیرد. ناصر می‌دانست که در چنین وضعی نمی‌تواند از مادرش انتظار داشته باشد که برای او لباس نو بخرد.

در همین فکرها بود که ناگهان چشمش به یک کیف پول افتاد. آن را برداشت. اطرافش را نگاه کرد. کسی نبود. در کیف را باز کرد. چشمش از تعجب گرد شد و فریاد زد: «خدای من! پول ... چقدر پول ...!»

کیف را در دست گرفت و با عجله به خانه آمد، نفس نفس می‌زد. هنوز از راه نرسیده، فریاد زد: «مامان، مامان ... در این شب عید خدا به ما هدیه داده.» مادر نمی‌فهمید او چه می‌گوید. کیف پول را در دست ناصر دید. فوری آن را گرفت و درش

را باز کرد. با تعجب رو کرد به ناصر و گفت: «از کجا آورده‌ای؟ نکند...» حرفش را خورد و گفت: «پناه بر خدا...» نمی‌دانست به ناصر چه بگوید به دلش افتاده بود که نکند ناصر آن را از جایی ربوده باشد. برای همین منِ منِ کنان گفت: «عجیب است... ولی آخر... چه طوری...؟» ناصر منظور مادرش را فهمیده بود. فوری گفت: «به خدا... پیدایش کردم... در کوچه پیدایش کردم.» مادر اخم‌هایش را توی هم کشید و گفت: «برگرد... زود برو صاحبش را پیدا کن.»

هر چه ناصر اصرار کرد که این هدیه‌ی خداست، مادرش زیربار نرفت و دست آخر مجبور شد به همان جایی که پول را پیدا کرده، برگردد. مادرش می‌گفت: «یک بنده‌ی خدا پولش را گم کرده، حتماً در این شب عید ناراحت است...» ناصر شروع کرد در اطراف همان جایی که کیف را پیدا کرده بود، به قدم زدن. چشمش به کاغذی افتاد که روی دیوار چسبیده بود و روی آن نوشته بود: «یک کیف پول با مشخصات... گم شده است. از یابنده تقاضا می‌شود آن را به صاحبش برگرداند و مزدگانی بگیرد.»

ناصر اسم «حاج فاضل» را زیر ورقه دید. او را می‌شناخت. بقال محل بود. به طرف دکان حاج فاضل راه افتاد. خود حاجی در مغازه بود. ناصر به محض این که وارد مغازه شد، کیف پول را جلوی او گذاشت و چیزی نگفت. حاج فاضل که خیلی خوشحال شده بود، با خودش زمزمه کرد: «خدا یا شکر.» بعد رو کرد به ناصر و گفت: «چند وقتی بود که دنبال یک شاگرد خوب و امانت‌دار می‌گشتم. حالا فکر می‌کنم پیدا کردم. می‌آیی شاگرد من بشوی و پیش من کار کنی؟»

ناصر از این اعتماد و تعریف حاجی خوشش آمد و با خوشحالی گفت: «خودم که دلم می‌خواهد. ولی من مدرسه می‌روم.» حاجی گفت: «مهم نیست. بعد از ظهرها از مدرسه برمی‌گردی، بیا اینجا.»

ناصر قبول کرد و آن‌ها قول و قرارهاشان را گذاشتند. حاجی فاضل گفت: «خیلی خوب... قبل از این که بروی، باید مزدگانی‌ات را بدهم. مزدگانی‌تو، حقوق ماه آینده‌ات است.» بعد دست در جیبش کرد و مقداری پول به ناصر داد.

ناصر نمی‌دانست چه بگوید و چه کار کند. خداحافظی کرد و رفت تا ماجرا را برای مادرش تعریف کند. اما سر راه، به چند مغازه سر زد. برای مادرش، برای خواهر

کوچولوپیش و برای خودش لباس خرید و برای شب عید مقداری شیرینی و آجیل گرفت و با دست پر به خانه برگشت.

هنوز مادرش با چشمان تعجب‌زده به ناصر و بسته‌های خرید نگاه می‌کرد که ناصر شروع کرد به تعریف کردن ماجرا ...

آن‌ها آن قدر خوشحال شده بودند که فقط توانستند خدا را شکر کنند به خاطر این هدیه‌ای که در این شب عید به آن‌ها داده است.

معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد این داستان را از زبان و با قلم خودشان تعریف کنند و داستانی بنویسند. آن‌ها می‌توانند لابه‌لای صحنه‌پردازی‌ها و توصیف‌های گوناگون، عین عبارات عربی متن را در قصه بیاورند و در صورت تمایل، چند جمله‌ی عربی نیز از طرف خودشان به قسمت‌های داستان اضافه کنند.

همچنین می‌توان روشی همانند دروس قبل را در پیش گرفت که همان تدریس این موضوعات به زبان عربی بود. در اثنای قصه‌گویی برای آن که بچه‌ها بیش‌تر وارد فضای داستان شوند، می‌توان از تصاویر هم استفاده کرد.

۲- قرائت متن درس برای ترجمه‌ی ساده

با توضیحاتی که معلم در مورد موضوع متن درس داده و نیز توانایی‌هایی که باید دانش‌آموز تا کنون کسب کرده باشد، می‌توان امیدوار بود که ترجمه‌ی ساده و مفهومی از متن درس برای دانش‌آموزان مشکل نباشد. با بهره‌گیری از واژه‌های هم‌خانواده و کمک گرفتن از ترجمه‌ی حدسی که در اثر قرار گرفتن در فضای موضوع ایجاد شده می‌توان به ترجمه‌ای ساده از متن، دست پیدا کرد.

۳- توجه به عبارات هدف در متن درس

از آن‌جا که این درس متکفل آموزش جمله‌ی فعلیه است و دانش‌آموز در درس گذشته مطالبی را در این زمینه آموخته، اکنون ادامه‌ی بحث در مورد بقیه‌ی اجزاء جمله‌ی فعلیه مطرح می‌شود. پیش از آن که وارد کلید طلایی شویم می‌توانیم جملات ذیل را روی تخته بنویسیم و یا کارت‌هایی را که قبلاً این جملات روی آن‌ها نوشته شده به آن‌ها نشان دهیم تا عملاً دریابند که در این درس چه موضوعی را می‌خواهند یاد بگیرند:

الف

ب

- أصدقاىى يلبسون لباساً جديداً.
- كيف نطلب منها لباساً جديداً؟
- رأى ناصرٌ ورقةً.
- جعل المحفظةَ ...
- أَدْفَعْ لَكَ الْآنَ أَجْرَةَ شَهْرٍ.
- شرح لهم القصةَ.
- خرج ناصر من البيتِ.
- الناس ... بشراءِ الملابسِ.
- فى الزقاقِ
- رأى ناصر ورقة على الجدارِ.

در مورد ستون «الف» پس از خواندن هر جمله، این سؤال را از بچه‌ها بپرسیم: چه چیزی را؟ و طبعاً بچه‌ها پاسخ خواهند داد: لباساً، ورقة و ...

بدون آن که توضیح دیگری دهیم به جملات قسمت «ب» می‌پردازیم و روی حروف به کار برده شده در متن تأکید می‌کنیم: منِ ...، بِ

ضمن تأکید روی این حروف به علامت اعرابی اسم بعد از آن‌ها نیز توجه می‌کنیم و با تأکید بیش‌تری آن‌ها را قرائت می‌کنیم!

۴- قرائت و ترجمه‌ی کامل متن درس

اگر دانش‌آموزان در فضای متن درس قرار گرفته باشند و نیز واژه‌ها و کلمات جدید را نیز با توضیحات معلم یاد گرفته باشند؛ می‌توانند به راحتی متن را ترجمه کنند. در مورد کیفیت قرائت متن درس و تأکید بر صحیح خوانی و روان خوانی و رعایت حالت‌های مختلفی که در جملات وجود دارد؛ در توضیحاتی که برای دروس پیشین داده شد، مطالبی آمده است که رعایت آن‌ها در این جا نیز ضروری است.

۵- تمرین جمله‌سازی

با توجه به موضوع درس که در صدد آموزش مفعول به و جارو مجرور در جمله است؛ می‌توان جمله‌هایی دارای این نقش‌ها را از متن درس پیدا کرد و به فارسی برگرداند و از دانش‌آموزان خواست که آن‌ها را به عربی برگردانند:

- در کوچه
- ناصر از خانه خارج شد.

– مردم لباس جدیدی را می‌پوشند.

– کیف را پیدا کردم.

– به سرعت برو!

– کیف را جلوی معلم گذاشت.

...

علاوه بر این جملات، می‌توان از دانش‌آموزان خواست که خود جملاتی را به فارسی بنویسند و آن‌ها را به عربی برگردانند. این کار را می‌توان به صورت مسابقه در کلاس و میان گروه‌های کلاسی انجام داد.

۶– تمرین درک مفهوم درس

از آن‌جا که هدف از آموزش زبان عربی، تقویت قوه‌ی فهم و درک از متن است، لذا پس از آن که متن درس توسط دانش‌آموزان به فارسی برگردانده شد، معلم سؤالات دیگری را تهیه می‌کند و با تقسیم کلاس به چند گروه، از آن‌ها می‌خواهد که به سؤالات پاسخ دهند. هر چه قدر بتوانیم روی متن‌های مختلف، کارهای این چنینی انجام دهیم و با طرح سؤالات مختلف، زوایای گوناگون متن را مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم، فهم متن و دریافت ترجمه‌ی صحیح، بهتر محقق می‌شود:

– من قال : «إلهي أشكرک»؟

– متی يحضر ناصر في الحانوت؟

– من كان صاحب الحانوت؟

– ماذا كانت جائزة ناصر؟

– هل رأى ناصر ورقة على الجدار؟

– ...

۷– آموزش کلید طلایی (مفعول، جار و مجرور)

اجرای «کلید طلایی» به شکل قصه و یا نمایش روشی است که می‌تواند توجه مخاطب را به موضوع مورد نظر جلب کند و نشاط و فعالیت او را در فراگیری مباحث دو چندان نماید. روش اجرای این قسمت نیز همان گونه خواهد بود که در کتاب مطرح شده است. معلم برای آن که به شکل

مناسبی به آموزش مطالب اقدام کند، لازم است پیش از شروع درس چندین بار درس موردنظر را بخواند و مطالب مهم و نکاتی را که باید به آن‌ها اشاره کند در ذهن بسپارد و سپس در روز موعود بدون آن که نیاز داشته باشد به کتاب مراجعه‌ی مکرر کند، به تدریس درس بپردازد. در این میان اگر معلم نکات اصلی را در ورقه‌ای کوچک یادداشت کند تا در مواقع لزوم به آن‌ها مراجعه کند، مؤثرتر از مراجعه به کتاب در هنگام اجرای قصه و یا نمایش است.

معلم اگر بخواهد خود به تنهایی درس‌های موردنظر را به صورت نمایشی برگزار کند، لازم است پیش از شروع تدریس، با تغییر لحن صداها و نیز تغییر شخصیت‌های نمایش، آمادگی لازم را برای اجرا پیدا کند.

نکاتی را که لازم است دانش‌آموز برای یادگیری این درس به طور فعال، آن‌ها را بداند عبارتند از:

- اهمیت اعراب در زبان عربی و چگونگی تغییر آن با تغییر نقش کلمات
- چگونگی یافتن فاعل در جمله. برای آن که این موضوع ساده‌تر در ذهن بچه‌ها شکل بگیرد، می‌توان همانند زبان فارسی با طرح این سؤال «چه کسی؟» و یا «چه چیزی؟» دانش‌آموزان را به یافتن راحت‌تر فاعل کمک کرد.
- مفعول به و اعراب آن در جمله. دانش‌آموز با مفعول به در زبان فارسی آشناست. با کمک‌گیری از همان اطلاعات و طرح این راهنمایی که یافتن مفعول با سؤالی از قبیل «چه چیزی را»، «چه کسی را» امکان‌پذیر است، آموزش و فراگیری این مطلب را برای او ساده‌تر می‌کنیم. به تدریج او در همین درس باید یاد بگیرد که همه‌ی جمله‌های عربی (همانند فارسی) دارای مفعول به نیستند. دقت کنیم که در این درس به ذکر یک شکل از اشکال مفعول به می‌پردازیم و بیان ضمائر منفصل نصبی (إياك، ...) و یا ضمائر متصل نصبی (نصره، ...) موردنظر نیست.
- حروف و یادآوری انواعی از آن.

با دانستن مطالب فوق می‌توان به آموزش کلید طلایی این درس اقدام کرد. و در پایان پس از آن که اطمینان یافتیم مطالب موردنظر در ذهن دانش‌آموزان قرار گرفته، خلاصه‌ای از مطالب را آن چنان که در قسمت «به خاطر بسپارید» آمده روی تخته می‌نویسیم و یا با نشان دادن کارتی که مطالب مزبور روی آن نوشته شده، به ملکه‌سازی مطالب فوق کمک می‌کنیم!

تمارين

التمرین الأول



هدف از این تمرین، فهم بهتر و دقیق‌تر محتوای متن است. سؤالاتی از این قبیل که در این تمرین آمده کمک مناسبی در جهت تقویت فهم و درک از متن است. علاوه بر این سؤالات می‌توان سؤالات دیگری را نیز مطرح کرد و به شکل مسابقه، جواب آن‌ها را از دانش‌آموزان بخواهیم. در صورتی که وقت کافی در اختیار معلم باشد؛ می‌توان با آوردن متن‌های کوتاه دیگر و طرح سؤالاتی از آن، به تحقق هدف آموزش زبان عربی در مدارس کمک بیش‌تری کرد!

التمرین الثاني



یافتن مفهوم مفعول به کمک شایانی در پیدا کردن این نقش در جمله می‌کند. چه بسا ذکر فاعل و مفعول بسیار در زبان ما دوران و چرخش داشته باشد، اما دقیقاً ندانیم که این‌ها چه کاره‌اند و چه مسؤولیتی در جمله دارند. بنابراین این تمرین در صدد القای مفهوم مفعول به در ذهن دانش‌آموزان است. همین که دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد «طفل» در تصویر مورد نظر نمی‌تواند مفعول باشد بلکه او در این جا نقش فاعل را ایفا می‌کند و یا «ید» ابزار و وسیله‌ی انجام کار است نه اسمی که کاری روی آن انجام گرفته باشد و لذا تنها «باب» است که ویژگی‌های مفعول به را دارد! هدف مورد نظر تحقق یافته است. مفعول به باید به گونه‌ای باشد که کاری روی آن انجام گیرد. در این مرحله دانش‌آموز تنها با مفعولی آشنا می‌شود که مختصات اسم (وند ضمیر) را دارد!

التمرین الثالث



هدف از این تمرین، یافتن مفعول به با توجه به نقش و اعراب آن است. همان‌طور که در مثال‌های مذکور هم آمده جایگاه مفعول به هر چند بعد از فاعل است اما گاهی مستقیماً پس از فعل قرار می‌گیرد. این امر به خصوص زمانی که فاعل به شکل ضمیر مستتر به کار برده می‌شود مشهود است. به عنوان مثال در جمله‌ی «... أن الله هو یقبل...» از آن‌جا که فاعل «یقبل» ضمیر مستتر «هو» است، لذا مفعول این فعل مستقیماً بعد از فعل آمده است: یقبل التوبة. بنابراین یافتن مفعول به منوط به فهم عبارت است. این امر به‌ویژه در جایی مطرح می‌شود که نخواهیم تنها از طریق اعراب کلمات به

یافتن نقش‌ها اقدام کنیم!

التمرین الرابع

شناخت حروف و تعیین مکان به کارگیری آن‌ها در جمله از نکاتی است که دقت روی آن‌ها بسیار ضروری و لازم است. در این تمرین دانش‌آموز باید تفاوت معانی حروف را تشخیص دهد و برای هر عبارت، حرف مناسبی را تعیین کند. با دانستن این معانی است که درمی‌یابیم در عبارت و خلق الله ... حرف «الی» و یا «فی» مناسب نیست چرا که معانی این دو با اسم موردنظر هماهنگ نیست! پس از حل این تمرین، می‌توان یافتن حرف مناسب را به صورت مسابقه برگزار کنیم و با ارائه‌ی جملات دیگر، به کارگیری حروف مناسب را در جمله‌ها برای بچه‌ها ملکه‌سازی کنیم!

التمرین الخامس

با دانستن معانی و مفاهیم جمله‌ها و دقت روی ظاهر کلمات به راحتی می‌توانیم اعراب و حرکت حرف آخر کلمات را تعیین کنیم. با مشاهده‌ی کلماتی مانند «فی»، «من» و ... به آسانی باید اعراب اسم بعد از این حروف را تعیین کنیم. فهم معنای عبارت و استفاده از فرمول «چه چیزی را» و «چه کسی را» ما را در یافتن مفعول به کمک می‌کند: یغفر ← «چه چیزی را» می‌بخشد؟ ← گناهان را ← الذنوب: مفعول به

التمرین السادس

همانند دروس قبل در این جا نیز تمرین آخر به ترجمه‌ی آیات قرآن اختصاص داده شده است. به علت موضوع درس که از مفعول به و جار و مجرور صحبت شد؛ در آیات انتخابی نیز سعی شده این موضوعات وجود داشته باشد. بسیار مناسب است که معلم آیات دیگری را انتخاب کند و ترجمه و دریافت مفهوم آن‌ها را از دانش‌آموزان بخواهد. پاسخ مناسب بچه‌ها پیام‌آور آن است که آموزش‌ها و تلاش‌ها به ثمر نشست و دانش‌آموزان به اهداف موردنظر رسیده و یا نزدیک شده‌اند!

الدراسات القرآنية

در این درس نیز همانند دروس قبل دو تمرین ذکر شده که در اولی از گنجینه‌ی واژگانی دانش‌آموز کمک گرفته می‌شود و در دومی موضوع «کلید طلایی» مورد سؤال قرار گرفته است. در هر دو تمرین

دقت کنیم که از دانش‌آموزان معنای واژه‌ای را طلب نکنیم که در متن درس و یا تمرینات نیامده باشد!



دست‌سازه‌ی این درس در مورد تمرین برای ملکه‌سازی موضوع «کلید طلایی» است. هم‌چنان که قبلاً نیز گفته شد دانش‌آموزان با راهنمایی معلم خود می‌توانند اقدام به تهیه‌ی هر دست‌سازه‌ای نمایند که بتوان با آن به صورت بازی و سرگرمی مطالب آموزشی را یاد گرفت!

ترجمه‌ی تصویری

هدف از این تمرین، تقویت قوه‌ی فهم و درک از متن است. هر چه قدر تمریناتی از این قبیل ارائه شود؛ هدف آموزشی کتاب بهتر محقق می‌شود. معلم فاضل و هنرمند با میدان دادن به این گونه فعالیت‌ها از سویی مطالب آموزشی خود را بهتر در ذهن مخاطبان خود می‌نشانند و از سوی دیگر موجب می‌شود که پیوند عاطفی میان دانش‌آموزان و زبان قرآن تقویت و تحکیم پیدا کند.

به عنوان مثال می‌توان برای جملات ذیل، تصاویر زیر را انتخاب کرد:

□ آه ... ماذا ألبس؟!

– فردی در مقابل کمد پر از لباس!

– فقیری ژنده‌پوش در سرمای زمستان!

□ یا الهی! ... نقود ... نقود کثیرة ...

– فردی در میان اسکناس‌هایی که اطراف او را گرفته است!

– مشتری بانک هنگام مشاهده‌ی اسکناس‌ها!

□ فرح بشدة!

– دانش‌آموزی در حال جایزه گرفتن!

– فوتبالیست و یا ... هنگام گل زدن!

□ هذه هدية الهية

– کبوتری که جوجه‌هایش از تخم بیرون آمده است!

– متولد شدن نوزاد!

□ أنشودة

در مورد «أنشودة» و هدف و نحوه‌ی اجرای آن در درس‌های گذشته مطالب موردنیاز مطرح

شده است!

این درس، حاوی مجموعه‌ی تمرین‌هایی است که تمام قواعد و موضوعات آموزشی کتاب را مرور می‌کند. موفقیت دانش‌آموزان در انجام این تمرین‌ها حاکی از این است که همه‌ی موضوعات را به درستی فرا گرفته‌اند. اما نکته‌ی قابل توجه این است که محدودیت‌های کتاب درسی موجب کاهش تعداد تمرین‌هاست. از این رو ممکن است برخی دانش‌آموزان نیاز به تمرینات بیش‌تر داشته باشند. با این وصف، می‌توان هر یک از تمرین‌ها را با تدوین و ارائه‌ی فعالیت‌های مشابه گسترش داد تا دستیابی به نتیجه‌ی آموزشی و دوره‌ی قواعد عربی این کتاب درسی اطمینان بخش‌تر باشد.

التمرین الأول

این تمرین حاوی تعدادی از وزن‌های آموزش داده شده و مشتمل بر مشهورترین یا رایج‌ترین وزن‌های موجود در آیات قرآن است: فاعیل، فعول و فاعل. در این تمرین، روی حروف زاید و حروف اصلی هر وزن تأکید شده است.

برخی از وزن‌های رایج در قرآن عبارتند از:

وزن فاعیل: حکیم، عظیم، مصیر، نذیر، عزیز، خبیر، سعیر، رحیم، قلیل، الیم، قریب، نصیر، بصیر، علیم، شهید و ... (فقط در سوره‌ی فتح)

وزن فاعل: شاهد، غافل، عالم، ناصر، صالح، سائل، عامل، نازع، طارق، کافر، هالک، مساجد، صادق، رازق، خالق، جامع

وزن فعول: کفور، جهول، ظلوم، عجول، شکور، غفور، عنود، صبور، رسول، غرور، فخور، رؤوف.

وزن فَعَال: غَفَّار، صَبَّار، عَلَّام، قَهَّار، فَتَّاح، رَزَّاق

وزن مَفْعُول: مَنْصُور، مَظْلُوم، مَسْئُول، مَقْدُور، مَعْرُوف، مَسْطُور،

وزن فُعُول: غُرُور، شَعُور، اُمُور، صُدُور، عُلُوم.

لذا با توجه به فراوانی وزن‌های گوناگون در کلمات عربی و آیات قرآن، معلم‌ان می‌توانند کلمات قرآن را براساس وزن‌های مشترک استخراج و دسته‌بندی کنند و یا از دانش‌آموزان بخواهند به صورت پژوهش فردی یا گروهی، این کلمات را شناسایی کرده، حروف اصلی و حروف زاید آن‌ها را تعیین نمایند.

التمرین الثاني

نظر به پاره‌ای مشابهت‌ها در فعل‌های امر و نهی و نفی، در این تمرین به مقایسه‌ی آن‌ها پرداخته

شده و در عین حال، موارد مفرد و جمع نیز مورد تفکیک قرار گرفته‌اند. این فعالیت از آن جهت قابل گسترش است که دانش‌آموزان با تعداد فراوانی از ریشه‌های افعال آشنا هستند و همچنین جزئیات این افعال را شناسایی کرده‌اند. از این رو انتظار می‌رود با استفاده از انواع فعل‌های امر و نهی و نفی و با استفاده از ریشه‌ی (صیغه‌ی اول ماضی) فعل‌های ذکر شده در کتاب، انواع این فعل‌ها مورد تمرین نهایی قرار گیرند.

التمرین الثالث

در این تمرین یک بار دیگر انواع فعل‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند؛ اما از آن‌جا که فعل‌های امر و نهی و نفی دارای علائم مخصوصی هستند این تمرین به این موضوع مهم پرداخته است. نظر به این که تعداد صیغه‌های هر یک از فعل‌های سه‌گانه از وسعت قابل توجه برخوردار است، این تمرین با تعداد بیشتری از نمونه‌های افعال، قابل گسترش است، لذا توصیه می‌شود در چارچوب همین شیوه، تعداد بیشتری از افعال به دانش‌آموزان ارائه شود.

التمرین الرابع

این تمرین نیز با شیوه‌ای دیگر، مکمل تمرین‌های قبل است ولی با این تفاوت که ریشه‌ی افعال را بیش از پیش مورد تأکید قرار داده است.

التمرین الخامس

در این تمرین، تفکیک یا تشخیص جمله‌های اسمیه از جمله‌های فعلیه همراه با اجزای اختصاصی هر یک از آن‌ها منظور نظر است.

در جمله‌های اسمیه: مبتدا و خبر

در جمله‌های فعلیه: فعل، فاعل، مفعول، جار و مجرور.

نظر به اهمیت مطالب و مسایل مطرح شده در جملات اسمیه و فعلیه، و نیز کسب اطمینان خاطر نسبت به جایگزین شدن این مطالب در ذهن مخاطبان، لازم است جملات دیگری از قبیل آن‌چه در این تمرین آمده، مطرح شود و نکات مورد نظر مورد سؤال و تأکید قرار گیرد.

والحمد لله

